

آسیب‌شناسی چاپ متون (۳)

[فاکسیمیله]

۱. اینکه گفته‌اند هیچ حرفی بی‌تأثیر نیست سخنی کاملاً حکیمانه است. در یادداشت گزارش میراث شماره ۲ از دو سه کتابخانه با واسطه و بی‌واسطه اظهار گله‌گذاری شد که چرا بنده نوشته‌ام: مرغ همسایه غاز است؛ معلوم شد هر کس خود را مخاطب آن نوشته دانسته و به اصطلاح «به خود» گرفته و در مقام پاسخ برآمدند که «آقا ناسپاسی می‌فرمایید، ما این همه (تصویر) نسخه به میراث داده‌ایم، مگر شده شما چیزی بخواهید که ما انجام نداده باشیم». البته به هر کدام پاسخ درخوری داده شد تا دل عزیزی از ما رنجیده نشود و کار پژوهش میراث پر رونق‌تر گردد. اما باتمام این حرفها بنده بر همان حرف قبلی خود هستم، چون منظورم این بود که نسخه‌هایی که از نظر رؤسای کتابخانه‌ها «نفیس» است، تصویر آن داده نمی‌شود. ما باز اعلام می‌کنیم که هدفمان از انتشار عکس نسخه‌های نفیس صرفاً برای اغراض علمی و پژوهشی است. زیرا می‌خواهیم برای هر اثر دو سه مقدمه نسخه‌شناسی، متن‌شناسی و معرفی محتوای اثر به همراه نمایه‌های متعدد چاپ کنیم. بی‌شک آنجا علاوه بر پرداخت هزینه‌های فیلم، عکس، CD، اسم و آرم و نشان کتابخانه را هم در کتاب درج می‌کنیم و پس از چاپ ۵۰ نسخه از شمار اثر را، اهدا می‌نماییم تا حقوق مادی و معنوی آن کتابخانه حفظ شود. با این اندیشه پیش نویس تفاهمنامه ای را تهیه کردیم و برای ۱۰ کتابخانه بزرگ تهران، قم و مشهد ارسال نمودیم. از میان کتابخانه‌هایی که این طرح را پذیرفتند و از آن استقبال کرده و آن را امضاء نمودند، با سپاس و امتنان از آنها بدین شرح اند: ۱. کتابخانه ملی ایران؛ ۲. کتابخانه مجلس شورای اسلامی؛ ۳. کتابخانه مدرسه شهید مطهری (سپهسالار)؛ ۴. کتابخانه آستان قدس رضوی؛ ۵. کتابخانه آیت الله گلپایگانی.

ولی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و سلطنتی کاخ گلستان هنوز پاسخی نگفته‌اند، و کتابخانه ای هم در قم اعلام نمود خود قصد انتشار نسخ نفیس متون امامیه را دارد و در این کار ترجیح می‌دهد با جایی مشارکتی نداشته باشد.

اعلام مشارکت کتابخانه‌های مهم کشور را با این مرکز به فال نیک می‌گیریم و دوستداران میراث مکتوب را برای این طرح عظیم ملی به یاری و همکاری دعوت می‌کنیم.

چاپ نسخه‌برگردان یا عکسی از نسخه‌های قدیمی و کهن این امکان را برای همگان فراهم می‌آورد تا هر کس اصل سند را در اختیار داشته باشد و داوری خود را با آنچه پیشتر

به صورت حروفی چاپ شده، ارزیابی کند یا اگر تا کنون چاپ نشده امکان پژوهش آن برای فردی صالح فراهم شود. چاپ عکسی، پژوهنده علاقه‌مند را با انواع رسم-الخطهای فارسی، تاریخ نگارش‌ها و انواع تحریرها آشنا می‌سازد ، از آنجا که صنعت وراقت و استنساخ و رونویسی تاریخچه‌ای بس درازدامن در تمدن ایران بزرگ فرهنگی دارد، چاپ عکسی نسخه‌ها، ارائه سند این شاخصه تمدنی است و نشان می‌دهد که ایران یک کشور علمی و فرهنگی بوده و تا چه میزان در صنعت کتابت و صحافی و کاغذسازی و جز اینها بر دیگر ملل و تمدنها گوی سبقت را ربوده است. تبیین هنرهای کتاب آرای، تذهیب، خطاطی و نقاشی و دیگر فنون، با چاپ عکسی متون قابل عرضه و اثبات است. پس خود را در خدمت بیشتر به این تمدن ریشه‌دار سهیم سازیم.

۲. اکنون که به برکت فهراس نسخ خطی، فهرستهای مشترک، فهرستواره نسخه‌های فارسی، کتابخانه‌های دیجیتال نسخه‌های خطی برخی کتابخانه‌های داخل، وجود پر برکت استادانی چون احمد منزوی، ایرج افشار، عبدالحسین حائری، شفیعی کدکنی، حسینی اشکوری و ... امکان یافتن نسخه‌های دیگری از یک اثر هست، آیا تصحیح متن بر اساس یکی دو نسخه با وجود نسخ متعدد از آن کاری علمی است؟ و انتشار آن اثر خدمت علمی به شمار می‌رود؟ پس باید کوشید و تمام راههای فوق را پیمایید تا به نسخه‌های اساس، اقدم و اصح دست یافت، در غیر این صورت، با مشورت بزرگان فن، راهی که شرایط موجود نسخه رهنمون می‌شود، برای تصحیح آن برگزید. متأسفانه برخی راحت طلب و بعضاً سودجو اقدام به چاپ متون بدون مراجعه به نسخه بدل‌های آن نموده و با چاپ آن، فرصت را از کسانی که ماهها و بلکه سالها برای یافتن نسخه‌های آن صرف کرده‌اند، می‌گیرند و تلاشهای انجام شده را ناکام می‌گذارند و مانع از تداوم تحقیق آن می‌شوند.

۳. از آن جا که زبان عربی در سده‌های نخست هجری شمسی زبان علمی ایران بوده و دانشمندی چون فارابی، ابن سینا و بیرونی و ... بیشتر آثارشان را به عربی نوشته‌اند و نیز از آنجا که شعر و نثر فارسی با زبان عربی پیوستگی و آمیختگی لفظی و معنایی داشته و دارد، پس برای فهم

و شناخت متن و محتوای متون ادبی، لازم است که محقق با صرف و نحو عربی آشنایی کامل داشته باشد. بخصوص اگر بخواهد در نوشتن یادداشتهای و تحشیه‌ها به کتب لغت و منابع عربی مراجعه کند. بی‌شک بدون آشنایی با زبان عربی نمی‌توان یک شعر عربی را در یک متن کهن فارسی، درست تصحیح کرد، درست ترجمه نمود و یا شاعر آن را شناخت. دشواری کار زمانی بیشتر می‌شود که برای تصحیح آن متن فارسی، مراجعه به متون عربی - خواه از منابع آن به شمار رود یا ترجمه‌ای از آن باشد - امری گریز ناپذیر است و کسی که عربی نمی‌داند، چگونه می‌تواند به آن متن عربی مراجعه کند و یا در مقابله نسخ از آن بهره گیرد. برای مثال: اقدم نسخ شاهنامه - بر فرض صحت تاریخ کتابت آن - نسخه فلورانس ذکر شده است و برخی هم نسخه لندن را اصح می‌دانند، اما ترجمه عربی بُنداری (نسخه ۶۷۵ هـ کتابخانه برلین) که قدیم‌تر است از نسخه فلورانس یا ترجمه عربی عَرّالسیر ثعالبی از شاهنامه که باز هم قدیم‌تر از آن است، مصحح متن شاهنامه ناچار از مقابله با آن نسخه‌های عربی از شاهنامه است. آیا مصححی که قادر به فهم ترجمه عربی نیست، مجاز به تصحیح شاهنامه فارسی هست؟! البته اگر طرح بانک اطلاعاتی نسخ خطی فارسی و عربی ایران و غیر ایران نهایی شود، کاری که این مرکز به جد دنبال آن است و در برنامه خود دارد، شاید بتوان امید بست که مآلا در گوشه‌ای از این کره خاکی نسخه‌های اقدم از آنچه هست، بدست آید. ان شاء الله.

۴. به نظر من متن پژوهی و متن شناسی را اگر دو تعبیر متفاوت اعتبار کنیم بهتر است. متن پژوهشی را تصحیح انتقادی متون مطابق روشها و شیوه‌های شناخته شده تصحیح علمی متون بنامیم و متن شناسی را به دو بخش تقسیم کنیم: ۱. متن شناسی بر پایه برافزوده‌ها، مهرها، سرلوحه‌ها، شمسه‌ها، اجازات، ترقیمه‌ها، انجامه‌ها، یادداشتهای و تحشیه‌ها، ماده تاریخها و ۲. متن شناسی مواد علمی محتوای اثر که از رهگذر دانشهای میان رشته‌ای متن جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، زبان شناسی، زیبایی شناسی، روان شناسی و ... که می‌تواند ما را به زوایای زندگی شخصی و اجتماعی مؤلف رهنمون شود.

